

واکاوی اندیشه های قرون وسطی

عباس قلتاش^۱ و مریم ستایش فر^۲

۱دانشیار گروه علوم تربیتی ، واحد مرود دشت ، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت ، ایران
 ۲دانشجوی دکتری رشته تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز لامرد ، لامرد، ایران
 t_setayeshfar@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جریان‌های فکری در قرون وسطی می‌باشد. روش مطالعه از نوع کیفی مروری - تحلیلی بوده است که با جستجو در مقالات علمی و کتابهای مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. قرون وسطی در تاریخ اروپای غربی یکی از مهم‌ترین مراحل تاریخی است که از ۴۰۰ میلادی تا ۱۴۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در بعضی از موارد از قرون تیره یاد می‌شود که از ویژگی‌های آن تاریخ اندیشی، اختناق و حاکمیت اولیاء و اصحاب دین در مناسب مختلف است. در این دوران دین به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مساله قابل تبیین نیست. دین نوعی اقتدار همه گیر دارد و حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد را تحت نظارت و کنترل دقیق خود دارد. دین مسیح با انحرافات که باعث به وجود آمدن دیدگاه‌های اسکولاستیکی در این دوره شده بود تلفیق علم با تعالیم تحریف یافته کلیسا باعث مسدود نگه داشتن اندیشه انسان در جهت خطوط فکری کلیسا که در جامعه آن زمان وجود داشت شده است.

واژه‌های کلیدی: قرون وسطی، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت

مقدمه

قرون وسطی در تاریخ اروپای غربی یکی از مهم‌ترین مراحل تاریخی است که از ۴۰۰ میلادی تا ۱۴۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در این دوران مسیحیت به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مسئله قابل تبیین نیست. دین نوعی اقتدار همه گیر دارد و حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد را تحت نظارت و کنترل دقیق خود دارد. قرون وسطی به زمینه سازی برای انقلاب فرهنگی در دوره‌های بعد تبدیل شده است، جریان‌های فکری در قرن وسطی با انسداد فکری و تعقلی روبرو بود. دانش در دست کلیسا بود هر چیه که کلیسا می‌آموخت، حقیقت مطلق شناخته می‌شد مقامات مذهبی فقط از تألیفات بعضی از نویسندگان قدیم، مانند ارسطو و افلاطون استفاده می‌کردند. دانشمندان آن زمان در آموزش‌های خود از این پا را فراتر نمی‌گذاشتند و به جای جستجوی حقایق، به احتجاجات دور و دراز و بی سرانجام دست می‌زدند. دانش در آن زمان در غم، این نبود، که به علوم جدید بپردازد و چون کورکورانه از مقامات مذهبی تبعیت می‌کرد، و در عوض تحقیق، به سفسطه و احتیاج می‌پرداخت، نام اسکولاستیک به خود گرفت (راوندی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). پرورش نگرش تابع نگری و کور کردن راه خردورزی یکی از مهمترین جریان‌های فکری که حامی منافع طبقات عالی بود به شمار می‌آمد، پی بردن به نقاط قوت و ضعف جریان‌های فکری یک دوره به ما امکان بهره گرفتن از تجربیات آنها را داده و قطعاً ما را از رفتن مسیرهای اشتباه باز می‌دارد، و در نهایت در رسیدن به اهداف درست مثمر ثمر خواهد بود. خطوط فکری در واقع جهت دهنده به تمام زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تربیتی، اقتصادی در یک جامعه هستند، لذا ساختار فکری یک جامعه به بنیاد اندیشه‌های فکری افراد آن جامعه بستگی دارد. دوره قبل از قرون وسطی ما شاهد انقلابی عظیم در زمینه فلسفه در یونان باستان هستیم. اما مسأله‌ای که در این جا بوجود می‌آید اینست که چرا در دوره‌های بعد ما با چنین اندیشه‌های روبرو نشدیم؟ دلایل اصولی بوجود آمدن جمود فکری در قرون میانه چه بود؟ نکته‌ای که شاید در بررسی علت‌ها همیشه از قلم می‌افتد اندیشه‌های پنهانی می‌باشد که نقش آن‌ها بمراتب بیشتر است. در قرون وسطی ما با اندیشه‌ها و خواسته‌ها مواجه هستیم. طرز تفکراتی که خواسته و بعضاً ناخواسته باعث زوال علمی از آن رونق و شکوهی که در دوره قبل داشت، گردید. اینکه بر اثر بی فکری برخی از صاحب منصبان در متابعت کورکورانه از آنچه که است و عدم استفاده از عقل و اندیشه در جهت گسترش دانش و شکوفایی استعدادها، نشان دهنده همین مطلب است. عدم تلاش برای شناختی که نیاز برای جامعیت و تعمق فکری دارد باعث بوجود آمدن تخریبی در اندیشه‌ها می‌شود که آثار آن تا مدت‌ها باقی خواهد ماند. نمونه آن همین که در قرون وسطی این طرز تفکر بوجود آمده بود که اگر به دنیا اندیشه‌های جدید و بدنبال آن دانش جدیدی باشی (مانند آنچه که گالیله درباره ثابت بودن خورشید و محرک بودن زمین مطرح کرد) که مغایرت با خواسته طبقات عالی داشت، بلافاصله در دستگاه تفتیش عقاید قرار می‌گرفت. راوندی نیز کتاب سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت .

تاریخ تعلیم و تربیت

نخستین حرکت در مسیر تعلیم و تربیت اسلامی با پیغمبر اکرم (ص) بوده است. پیغمبر اسلام ضمن انجام رسالت و دعوت به دین جدید، همچنین رهبر و رئیس حکومت، مربی و معلم بانفوذ نیز بود. پروفیسور مک دونالد طی مقاله ای تحت عنوان تربیت اخلاقی مسلمین از قول یکی از علمای کلام دوره های اولیه اسلام از رسول خدا بدینگونه توصیف می نماید: محمد از مکتب تربیتی خداوند یک نمونه است، رفتار و سکنات او با قرآن مطابقت دارد او تربیت یافته قرآن است و خود مربی مخلوقات می باشد از جمله صفات بارز باری تعالی ((رب)) است به معانی تربیت کردن، پروراندن و بکمال رسیدن بکار می رود پیغمبر اکرم با آگاهی مستقیم و نزدیک از نقش و مقام تربیتی پروردگار خویش می فرماید:

(ادیبی ربی فاحسن تادیبی) پیغمبر اکرم و دیگر انبیا تنها شاگردان این مکتب نیستند. بلکه پروردگار صانع و معلم و مربی کلیه مخلوقات خویش بوده و انبیاء و کتب آسمانی وسیله و واسطه ابلاغ بوده اند. بنابراین اساس و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و نیز مرجع آن قرآن خواندن است که ستون اصلی آموزش و پرورش است و مورد تاکید تعلیمات اسلامی. اولین آیه قرآن - اقرأ باسم ربک الذی خلق - است که پیغمبر را مورد خطاب قرار می دهد و او را به خواندن امر می کند در صدر اسلام با اجرا و گسترش آن در سطح وسیعی تحقق پیدا می نماید در دوران شکل گیری و سازمان یابی اسلام به عنوان یک دین و یک حکومت تعلیم و تربیت اسلامی متکی به دو پایه بود:

الف) یادگیری و انتقال دانشها به عنوان یک ایدئولوژی و به بیان دیگر یک مسئولیت دینی بود.

ب) هدف از این کار تنها الله و کسب رضای او بوده است

در اروپا نیز : به دنبال افزایش قدرت روحانیون در قرن دوازدهم و سیزدهم برای مقابله با ارباب زندقه و ارتداد که زیر بار روحانیت نمی رفتند و از تعالی مذهبی پیروی نمی کردند روحانیت نیز با وسایل گوناگونی به جنگ با ایشان برمی خاست و اما نشان نمی داد، بالاخره برای مبارزه با کفر و الحاد، گرگوار نهم به تأسیس دیوان تفتیش عقاید و افکار همت گماشت و از ۱۲۳۱، این روش و سنت مشئوم و روح کش معمول گردید(راوندی، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

قرون وسطی

قرون وسطی یا **سده های میانه** نام یکی از چهار دوره ای است که برای تقسیم بندی تاریخ اروپا استفاده می شود. این چهار دوره عبارت بودند از دوران کلاسیک باستان، قرون وسطی، عصر نوزائی (رنسانس) و دوران جدید یا مدرن که از ۱۶۰۰ میلادی شروع می شود. معمولاً قرون وسطی را از پایان امپراتوری روم در قرن پنجم میلادی تا سقوط قسطنطنیه توسط دولت عثمانی و پایان امپراتوری روم شرقی (یا بیزانس) در ۱۴۵۳ در نظر می گیرند. قرون وسطی در تاریخ اروپای غربی یکی از مهم ترین مراحل تاریخی است که از ۴۰۰ میلادی تا ۱۴۰۰ میلادی را در بر می گیرد. در این دوران مسیحیت به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مسئله قابل تبیین نیست. دین نوعی اقتدار همه گیر دارد و حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد را تحت نظارت و کنترل دقیق خود دارد.

سده‌های میانه یا قرون وسطی به دوره ای از تاریخ مغرب زمین اطلاق می‌شود که میان دوره یونان و روم باستان و عصر جدید که با رنسانس آغاز می‌شود قرار دارد نزدیک به ده قرن به طول می‌انجامد. از سال ۳۹۵ میلادی یعنی زمان تقسیم امپراطوری به بخش شرقی (بیزانس) و بخش غربی آغاز می‌شود. اما برخی دیگر آغاز این دوره را اندکی دیرتر یعنی سال انقراض امپراطوری روم غربی ۴۲۴ میلادی می‌دانند و پایان این دوره را فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمود دوم معروف به فاتح یعنی ۱۴۵۳ میلادی و گروهی دیگر کشف امریکا ۱۴۹۶ میلادی می‌شمارند پس طول این دوره مذکور را در حدود قرن پنجم میلادی تا قرن پانزدهم میلادی یعنی ده قرن داشت (کاردان، ۱۳۸۸: ۶۱)..

زمان بندی قرون وسطی

سده‌های میانه اولیه

در قرون وسطی اولیه که بعد از فروپاشی امپراتوری روم و یونان یا تغییر کیش این نظام‌ها به مسیحیت آرام آرام شاهد تحول در ساختار اجتماعی و اقتصادی هستیم. عمده‌ترین تحول در زیر بنای اقتصادی این جوامع صورت می‌گیرد؛ یعنی نظام تولیدی مبتنی بر برده‌داری جای خود را به نظام تولید مبتنی بر ارباب و رعیتی یا فئودالیت می‌سپارد. در نظام فئودالیت همانند نظام برده‌داری دو طبقه اجتماعی اصلی در ارتباط با مناسبات تولید نقش تعیین‌کننده دارند.

۱. طبقه فئودال یا زمین‌داران، صاحبان املاک و اراضی، کشتزارها، مزارع، چمنزارها، مرغزارها، شکارگاه‌ها و حتی بیابان‌ها و کوه‌ها که در قالب قلعه‌ها، ده‌ها و قصبه‌های اربابی به عنوان اراضی تحت مالکیت این اشخاص محسوب می‌شوند.
۲. طبقه عظیم و گسترده دهقانان و کشاورزان و همراه با طبقات میانی و واسط دیگر.

در این دوران یک نوع تمایز بین نظام فئودالیت به عنوان نظام سیاسی با نظام کلیسا به عنوان نظام فکری- فرهنگی به چشم می‌خورد. کلیسا و دولت در موازات هم حرکت می‌کنند. گه‌گاه تضادها و همکاری‌هایی بین آنها دیده می‌شود. نظام فئودالیت برای تداوم خود نیازمند نوعی عقاید رسمی است تا بتواند به کمک آن ایدئولوژی به توجیه اعمال و رفتار خود پرداخته و اقدامات خود را مشروع سازد؛ بنابراین در این دوران ارباب دولت، مقامات و اولیاء سیاست متوجه کمک گرفتن از اصحاب کلیسا و روحانیون می‌شوند. یعنی نیاز دارند که پایه‌های فقهی و شرعی این ساختمان فراهم شود. کلیسا نظام سیاسی فئودالیت را تقدیس کرده، پس توده‌ها سر تعظیم فرود می‌آورند.

قرون وسطی ثانویه

در قرون وسطی ثانویه این مرزبندی (تفکیک دین و سیاست) از میان برداشته می‌شود. تا پیش از این، این دو طبقه جداگانه بودند و با هم کاری نداشتند. اما با ورود به قرون وسطی میانه کلیسا داعیه سیطره یافتن بر عالم سیاسی را در سر می‌پروراند. به عبارتی دیگر بین دین و سیاست نوعی وحدت ایجاد می‌شود. پاپ‌ها هستند که پادشاهان را تعیین می‌کنند و بر آنها نظارت کامل دارند.

قرون وسطی پایانی

مراحل پایانی قرون وسطی متأخر همراه با ظهور و برآمدن جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مختلف همراه است. زمینه‌ها برای پیدایش نهضت‌های فکری و علمی و در نهایت سر برآوردن دو سده ۱۴ و ۱۵ میلادی که از آن تحت عنوان دوران نوزایی یاد می‌شود، ایجاد می‌شود. در این دوران دستگاه و نظام فلسفی کلیسا که از قرن ۱۱ شروع شده بود و همچنان تا قرن ۱۷ هم ادامه پیدا کرد یعنی نظام موسوم به اسکولاستیسم که به آیین مدرسی موسوم است مبنای اصلی توجیه و دفاع از حاکمیت و دستگاه دین و دولت محسوب می‌شد. این آیین مبتنی بر آموزه‌های مسیحیت، همراه با گرایش‌های فلسفی افلاطونی، فیثاغورث، آراء رواقیون و نقطه نظرات فلوطین یا نحله نو افلاطونی و دیدگاه‌های سن آگوستین است (کاردان و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۴).

آموزش و پرورش در قرون وسطی

دکتر کاردان (۱۳۸۱، صص ۶۶-۷۰) آموزش و پرورش در این دوران را به سه دوره کلی زیر تقسیم کرده و به توضیح آنها می‌پردازد:

۱- از سده پنجم تا اواخر سده هشتم: نخستین مدارس در کنار نهادهای دینی دایر می‌شود و غرض آنها در وهله اول تربیت راهبان و سپس مبلغان دینی بود. آموزش بسیار ابتدایی در حد خواندن و نوشتن و حساب مقدماتی و اطلاعات دینی مقدماتی بود. رفته‌رفته تأسیس این مدارس اجباری شد.

۲- از آغاز سلطنت شارل بزرگ تا حدود سده دوازدهم: در این دوره برای تحکیم مبانی سازمان کلیسا تربیت کشیشان در دستور کار قرار گرفت. همچنین، «آموزشگاه کاخ» برای کودکان درباری در کاخ حکومتی تأسیس شد. معلمان آن دانشمندان روزگار بودند. آموزش هنرهای سه‌گانه و چهارگانه رواج یافت. هدف اصلی آموزش، تربیت کسانی بود که خود معانی کتاب مقدس را به‌درستی درک کنند.

۳- از سده دوازدهم تا آغاز دوره رنسانس: در این دوره روشنفکران غربی به مطالعه و ترجمه آثار شرقی و اسلامی پرداخته و حیات فرهنگی و فکری کمی توسعه یافته و بحث‌های منطقی و فلسفی پدید آمدند.

به‌طور کلی، "در این دوره، جامعه غربی از سه طبقه اشراف (فئودال)، روحانی و مردم عادی تشکیل می‌شد و تعلیم و تربیت کودکان این طبقات با وجود داشتن زمینه دینی مشترک متفاوت بود" (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۷۰). تربیت شهسواران (شوالیه‌ها) جهت پایبند کردن اشراف‌زادگان به عقاید مسیحی، آماده‌سازی آنها برای کارهای سخت و جنگ، و یاد دادن آداب اجتماعی به آنها صورت می‌گرفت. تربیت روحانیان در دیرها و مدارس کلیسایی و دانشگاه‌های آن دوران جهت تربیت افراد مبلغ و مجری مراسم دینی صورت می‌گرفت. تربیت مردم عادی نیز اغلب به‌گونه‌ای آموزش حرفه‌ای بوده و برعهده اصناف بود. در اواخر سده دوازدهم نیز دانشگاه‌ها در شهرهای بزرگ اروپا تأسیس شدند. روش آموزش در همه دانشکده‌ها که به روش اهل مدرسه (اسکولاستیک) معروف است، عبارت بود از قرائت متون و بحث و جدل (کاردان، ۱۳۸۱، صص ۷۳-۷۰).

در این دوران اندیشه‌وران بزرگی حضور داشتند. راسل (ج ۱، ۱۳۷۳) از امروز قدیس، یروم قدیس، آگوستین قدیس، و پاپ گرگوری کبیر به‌عنوان چهار مجتهد (دکتر) کلیسای غربی یاد کرده و توماس آکویناس قدیس را به‌عنوان بزرگترین فیلسوف مدرسی معرفی می‌کند. در ادامه، به معرفی دیدگاه‌های تربیتی دو تن از این اندیشه‌وران می‌پردازیم.

آراء تربیتی آگوستین:

آگوستین قدیس یکی از برجسته‌ترین متفکران مسیحیت در قرون وسطی است. وی در ابتدا مانوی و یا ثنویت‌گرا بود ولی به اعتراف خودش چون به بیهودگی این مذهب در بسیاری از عقاید و اندیشه‌هایش پی می‌برد به رم مهاجرت کرده و به مکتب فلسفی شکاکون جدید ملحق می‌گردد. پس از مدتی این مکتب فکری نیز او را اقناع نمی‌کند. در شهر میلان با اندیشه‌های نوافلاطونی آشنا می‌گردد و از همین راه به مکتب آنها وارد می‌شود. پس از آن به مسیحیت گرویده و پس از مدتی به‌عنوان اسقف انتخاب می‌شود و در همین شهر نیز از دنیا می‌رود. او آراء مهمی در الهیات مسیحی در خصوص رابطه عقل و ایمان، نظریه شناخت، خداشناسی، مسئله شر، و زیباشناسی عرضه داشته است. از کتاب‌های مهم او می‌توان به «شهر خدا» و «اعترافات» اشاره داشت.

"به‌عقیده آگوستینوس آدمی بر اثر معصیت ازلی گناهکار به دنیا می‌آید و تنها لطف و بخشایش الهی است که باعث نجات و فلاح او می‌شود" (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۷۹). این دیدگاه تأثیر شایانی در انسان‌شناسی آگوستین داشته و بنابراین نظریات تربیتی او را نیز تحت تأثیر قرار داده است. آموزه گناهکار بودن ذاتی آدمیان موجبات بدبینی را نسبت به بشر فراهم کرده و در نتیجه نوع تربیت او را سخت‌گیرانه و تحکمی می‌کند. بنابراین اعتقاد او به تنبیه بدنی دور از نظر نیست.

"به‌نظر آگوستینوس، هدف تربیت بار آوردن فرد مسیحی حقیقی است" (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۷۹). بنابراین، می‌توان از نوعی تربیت اخلاقی مسیحی در آراء وی صحبت کرد. او آموزش هنرهای هفت‌گانه را برای فهم کتاب مقدس ضروری می‌دانست.

آراء تربیتی توماس آکویناس:

توماس آکویناس قدیس از بزرگترین فیلسوفان مسیحی است که اصول عقاید و تربیت کاتولیک را تنظیم کرده است. او در ابتدا به فرقه دومینیکن که طرفدار جدایی معارف وحیانی از فلسفه مبتنی بر محسوسات بودند، پیوست. چندی نیز نزد آلبرت کبیر به شاگردی نشست. سپس با آثار ارسطو و حکمای اسلامی آشنا شد. آنگاه به تعلیم فلسفه و کلام مسیحی در دانشگاه پاریس پرداخت. کتاب جامع الهیات از مهم‌ترین آثار او است که در آن به تنظیم نظام فلسفه رسمی کلیسای کاتولیکی پرداخته است. به‌نظر او شناخت نخستین توسط تجربه حسی به‌دست آمده و سپس به حس مشترک و صور خیالی و آنگاه به مفاهیم کلی یا معقولات مبدل می‌شود (کاردان، ۱۳۸۱، صص ۸۲-۸۰). آراء و افکار آکویناس تا سال‌ها ادامه داشته و حتی در دوران معاصر نیز افکار او در زمینه‌ای جدید تحت عنوان نئوتومیسیم توسط افرادی همچون اتین ژیلسون گسترش یافته است.

درباره نظریات او می‌توان به نظریه فناپذیری روح انسان، ادله او درباره وجود خدا، و دیدگاه او درباره رابطه میان عقل و ایمان اشاره داشت. آرای مذهبی او اشاره‌های روشنی برای تربیت اخلاقی دارد. او مهم‌ترین فضیلت را احسان دانسته و عالی‌ترین وجه آن را اخلاص به خدا برمی‌شمارد. او به‌طور کلی طرفدار نظام پدرسالار قرون میانه بود و خانواده را اساس کشور می‌دانست (مایر، ج ۱، ۱۳۷۴، صص ۲۲۷-۲۲۳).

به‌زعم پروفیسور نخستین، "به‌نظر توماس آکوئینی هدف غایی تربیت، سیر به سوی کمال لایق انسانی و کمال آدمی در معرفت خدا و ابتهاج یا سعادت پایدار ناشی از خداشناسی و خداپرستی است؛ به‌عبارت دیگر خیر اعلی، تجربه عقلانی سعادت و حضور الهی در روح انسانی است" (به‌نقل از کاردان، ۱۳۸۱، ص ۸۲). او در کتابی به نام درباره حقیقت افراد را دارای دو نوع استعداد بالقوه درونی و بیرونی می‌داند. پرورش استعداد درونی به خود شخص و فعالیت ذهنی او بستگی دارد، درحالی که فعلیت یافتن استعداد بیرونی مستلزم آموزش است (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی-توصیفی و مروری تحلیلی می‌باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب‌های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم‌ترین موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودند از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. و

از آنجاییکه در این پژوهش هدف بررسی قرون وسطی، و نیز بررسی و تحلیل تاریخ تعلیم و تربیت بود پژوهشگر از روش تحلیل محتوا استفاده کرده است. تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال‌های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

یافته‌ها

مفهوم قرون وسطی

قرون وسطی (قُن وُ طَا) (اِخ) فاصله میان سقوط روم به سال ۳۹۵ م. تا فتح استانبول به دست محمد ثانی ملقب به فاتح به سال ۱۴۵۳ م. را در اصطلاح قرون وسطی گویند. در دائرةالمعارف بریتانیکا آمده است: اصطلاح قرون وسطی کاملاً جدید است و آن از طرف نویسندگانی که درباره‌ی این دوره کار میکردند جعل شده و مبین اختلافی است که آنان بین قرون بعد از سقوط دنیای قدیم با عهد خود احساس میکردند، چه نسبت به ایشان جهان یونان قدیم و روم نزدیکتر و قابل فهم‌تر از اروپایی بود که تحت انقیاد سیستم مذهبی اداره میشد. لازم نیست که گفته شود مردان و زنانی که در ظرف هزار سال یا قبل از دوره‌ی «تجدیدنظر» زندگی میکردند توجه داشتند که در عهد قرون وسطی زندگی میکنند ولی تعداد کمی بودند و در میان آنها پترارک از همه مشهورتر است که احساس میکردند

به دوره ظلمت و تاریکی افتاده اند و این دوره از افول امپراطوری روم شروع میشود و ممکن است تا وقتی که «روم بخواهد خود را بشناسد» ادامه یابد. به نظر نمی آید دوره ی قرون وسطی به وسیله ی مردم خود احساس شده باشد یعنی مردمی که در قرون وسطی زندگی میکردند خود را قرون وسطائی شناخته باشند به هر حال این اصطلاح از مجعولات متخصصین است و اجمالاً قرون وسطی شناس به کسی اطلاق میشود که در تاریخ دوره ی قرون وسطی کار میکند، در مقابل دانشمند دوره ی جدید که سروکارش با قرن جدید است. اشخاصی که نخست این اصطلاح را به کار بردند قصدشان تعبیری از معنی آزادی بود و ضمناً مفهوم تاریخی قرون وسطی به یک سلسله دوران کاملاً مشخصی اطلاق میشد که در چهارچوب زمان قرار داشت. البته آنها از این دوران نقش قرن مشخصی را نشان نمیدادند ولی طرحی از تاریخ میریختند که زمانش از باغ عدن شروع میشد و تا برگشت ثانوی مسیح ختم میگشت. این طرح هزار سال یعنی از قرن پنجم تا قرن پانزدهم م. را معین میکرد و به نام قرون وسطی نشان میداد. امروز اطلاعات ما راجع به قرون وسطی کاملاً فرق کرده، زیرا بینش ما به نسبت تمدن ماقبل قرون وسطی که با آن در تماس بود بیشتر شده است. (از دائرةالمعارف بریتانیکا).

زمینه‌های پیدایش قرون وسطی

در تاریخ مغرب زمین، پس از دوران قرون وسطی، دوره ای است که رنسانس نامیده می شود. در این دوران که تفاوت بارزی با دوران قرون وسطی دارد، شیوه زندگی بسیار عوض شد و اساساً غرب، زندگی دوباره ای آغاز کرد. در زمینه های ایجاد رنسانس، دلایلی را برشمرده اند که در این جا ذکر می کنیم.

فاصله طبقاتی ناشی از نظام فئودالی

در نظام فئودالی در طول ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ سال گذشته، فاصله عمیق طبقاتی به وجود آمده بود. هنگامی که فاصله طبقاتی به شدت زیاد شود، امکان بقا برای نظام فئودالی وجود نخواهد داشت. در واقع، به وجود آمدن رنسانس، از فاصله طبقاتی نشأت می گیرد.

تلفیق نهاد دین و دولت

در دوران قرون وسطی، پادشاهان از کلیسا کسب مشروعیت می کردند و در واقع وابسته به کلیسا بودند. به تدریج کلیسا از این قدرت، سوء استفاده کرد و در زیاد شدن ثروت، با نهادهای سیاسی به رقابت پرداخت. کم کم کلیسا به زمین دار بسیار بزرگ تبدیل شد. این امر، نارضایتی توده ها را نسبت به مذهب به وجود آورده بود.

عصر ترجمه

این عصر، از قرن نهم و دهم میلادی آغاز می شود و تا قرن سیزده و چهارده میلادی ادامه می یابد. عصر ترجمه، عصری است که در آن، متفکران بزرگ مسیحی و دانشمندان بزرگ اروپایی، آرام آرام با آثار و افکار دانشمندان مسلمان آشنا شدند. در آن دوره، کتابهای دانشمندان مسلمان مانند «ابن سینا» در طب و فلسفه، «خوارزمی» در ریاضیات، «ابوریحان بیرونی» در جغرافیا، کتاب «ابن خلدون» در حوزه جامعه شناسی، آرام آرام به زبانهای لاتین، ایتالیایی و فرانسوی ترجمه شدند.

آزاداندیشی نهفته در آثار فلسفی مسلمانان، به ویژه «ابن رشد» و «ابن بابویه» که به حوزه اروپا نزدیک بودند و هم-چنین رویکرد تجربی مسلمانان مانند رویکرد تجربی «ابن سینا» در علم طب و «ابن هیثم» در علوم اپتیک برای متفکران اروپا الهامبخش بود.

گسترش بازرگانی

در پایان قرون وسطی امکاناتی فراهم شد که اروپایی‌ها توانایی خارج شدن از سرزمین‌های خودشان را پیدا کردند. یکی از آن امکانات، اختراع قطب نما بود. سفرهای دریایی قبل از اختراع قطب نما کوتاه بود. اختراع قطب نما و توسعه کشتی‌رانی باعث شد که برقراری ارتباط با مردم سرزمین‌های دیگر و به تبع آن، تجارت و بازرگانی با آنها ممکن شود.

کشف باروت

کشف باروت، امکان راه‌سازی در اروپا را گسترش داد. توسعه راه در اروپا به دلیل محصوربودن در بین کوه‌های بلند، مشکل بود، اما شکافتن صخره‌ها و سنگ‌ها به وسیله باروت، باعث گسترش سفرهای سیاحتی و تبادلات بازرگانی شد. این ارتباطات، باعث آشنایی بیشتر اروپا با دیگر حوزه‌های تمدنی، به ویژه تمدن‌های خاورمیانه، مسیحی، اسلامی، یهودی و تمدن باستانی مصر گردید.

گسترش فن چاپ

صنعت چاپ در اواخر قرون وسطی نهادینه شد و به سرعت در کل اروپا توسعه پیدا کرد. این موضوع باعث شد انحصار کتابخانه‌ها که در دست کشیشان، نخبگان و دانش‌آموختگان مدارس دینی بودند، خارج شود و به مردم دیگر هم برسد تا آنها هم از کتاب‌ها استفاده کنند. مجموع عوامل مذکور دست به دست هم داد تا فضا را برای تغییرات عمیق فکری و فرهنگی در اروپا به وجود آورد.

برای اینکه هر چه بهتر به تبیین سده‌های میانه بپردازیم باید تاریخ فرهنگی را در یونان به سه دسته تقسیم نماییم ۱- از قدیم‌ترین دوره قریب به ۲ هزار سال قبل از میلاد مسیح تا عصر پریکلس یعنی قرن پنجم قبل از میلاد ۲- عصر طلایی فرهنگ یونان یا عصر رونق فلسفه قرن ۵ و ۴ قبل از میلاد ۳- عصر انحطاط فرهنگ و فلسفه که از نیمه دوم قرن ۴ قبل از میلاد تا تصرف یونان به وسیله امپراطوری روم یعنی ۱۴۶ ق. م ادامه دارد (کاردان، ۱۳۳۸: ۸). از آن جایی که دوره قبل از دوره میانه به دوره یونان مآبی شهرت دارد و در حقیقت پیش‌زمینه‌ای برای سده میانه به شمار می‌آید لذا، بهتر است که ویژگی‌های این دوره بررسی گردد.

۱- دین مسیح پس از انقلاب سقراطی انقلاب عظیمی را در اندیشه و فرهنگ مغرب زمین و به تبع آن در بینش آموزشی و پرورشی آن پدید آورد این دین بار دیگر نظرها را به درون انسان‌ها و هستی معنوی او متوجه ساخت و از این جهت مؤید نظر افلاطونی بود. با این تفاوت که توجه به خدای یگانه را به جای مدینه (جامعه) قرار دادن سعادت و رستگاری آدمی را نه از راه حکمت و علم بلکه سعی در قرب الهی و عبادت اوشمرد. بدین سان همه هستی حول یک محور فکری و معنوی سازمان یافت و در نتیجه هدف و جهت تربیت را نیز وحدت بخشید. و از محتوای مادی و

تعقلی آموزش را به محتوای معنوی و تعبدی میدل ساخت و این بنیاد همان چیزی است که پس از سازمان یافتن کلیسا و دگرگونیهای آن به صورت فلسفه تربیتی کلیسایی درآمد و بر سراسر سده‌های بعد یعنی سده‌های میانه کم و بیش حکفرما شد.

۲- فلسفه جدید مرکب از الهیات مسیحی و فرهنگ یونانی در قالب رومی بود و این ترکیب زمانی ضروری گردید که مسیحیت آگاهانه و به صورتی منظم درصدد نشر و دفاع از خود در برابر آرا و عقاید دیگر درآمد. آباء کلیسا در آغاز اقتباس از فرهنگ و نظام آموزشی غیر دینی را لازم می‌دیدند اما به دلایل گوناگون و از جمله بروز تضادهای درونی، جذب قوالب آموزشی و پرورشی قدیم به کندی گرایید تا جایی که بر اثر کشمکش‌ها و مخالفت‌های شدید و گاه خونبار متوقف شد(همان).

۳- در دو قرن اول و دوم میلادی، مدارس رومی و مذاکره جدید آموزش و پژوهش در کنار یکدیگر دایر بودند و متفکرانی که تازه به دین مسیح (ع) گرویده بودند مانند کلمان و اوریگنس دانستن علوم و معارف یونانی و آموزش مواد هفتگانه را برای درک بهتر مسائل دینی ضروری می‌شمردند، منتها را معتقد بودند که چون دین مسیح (ع) حقیقت کامل را شامل است در کسب فلسفه و علوم قدیم مبالغه جایز نیست. این وضع در قرن چهارم تعلیم فلسفه و علوم غیر دینی ممنوع گردید و کلام مسیح مسلط شد و دانش‌های دیگر را تحت الشعاع خود قرار داد و به صورت هدف نهایی آموزش در مدارس دینی درآمد.

۴- رومیان به علت خصلت برون‌گرایی خود بیشتر به عمل اجتماعی راغب بودند و نتوانستند مانند یونانیان متفکران بزرگی را که در حکمت و تربیت دارای آراء مهمی می‌باشند. در کنار خود بپرورند در حقیقت از این نظر، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، دنباله‌رو متفکران یونانی بودند. فلسفه‌هایی دوره که پیش از یونان مآبی به ویژه اخلاق رواقی بود و این و این فلسفه‌ها نیز افکار رومیان را از توجه به تربیت عقلی و پرداختن به معقولات باز می‌داشت زمینه را برای جبرگرایی و حتی خرافات و نوعی صوفیگری آماده می‌ساخت این نضع فکری تا مسیحی شدن امپراطوری روم و حتی تا آغاز سده‌های میانه در مغرب زمین ادامه داشت و به اشاعه رهبانیت آموزش و پرورش کلیسایی کمرک کرد(کاردان، ۱۳۸۸: ۴۹).

سیر فلسفه در قرون وسطی

از عصر باستان یونانیان به فلسفه پردازی در جهان مشهور بودند. زیرا در تمام سالها و قرون آن دوره فیلسوفان زیادی از میانشان سر بر آورده بوند و پایه و اساس فلسفه را ریخته بودند. این عامل باعث شده بود تا آکادمی‌های زیادی از جمله آکادمی معروف افلاطون در آنجا تاسیس شود. و در آنها به آموزش علوم آن دوران پرداخته شود. همین طور می‌توان به جرات گفت که آکادمی‌های یونان سر منشاء فلسفه در خاورمیانه و اروپا شدند. در آن دوران به علت عدم وجود امکانات و تکنولوژی برای پژوهش علمی، روش علمی روش قیاس عقلی و منطقی بود. چون تنها راه معرفت به اشیا از این طریق امکان بود. در همین دوران این روش که به عنوان فلسفه شناخته می‌شد به عنوان علم‌العلوم مشهور شد. اما پس از تصرف یونان توسط امپراطوری روم و سپس حمله‌ی اقوام وحشی " گال " به روم غربی

امپراطوری بزرگ از هم پاشید و حکومت‌های محلی تشکیل شد. و این در حالی بود که مسیحیت و کلیساها گسترش بسیاری یافتند. اما در اثر جهالت عده ای از مبلغان مسیحیت و پیروی مردم از آنها به آرامی پرداختن به علم و فلسفه در اروپا به شدت محدود شد و تنها نظام فلسفی پایدار در آن دوران اروپا اندیشه‌هایی بود که در کلیسا تدریس می شد. به همین دلیل به مرور زمان در جوامع اروپایی خرافات و عقب ماندگی چیره شد و عصر تاریکی را شکل داد. نفوذ کلیسا در سرزمین‌های اروپایی به قدری افزایش یافت که تمامی قوانین جامعه بوسیله ی آن تعیین می شد. آنها فکر می کردند کلام مسیحیت باید اساس شناخت جامعه باشد و برای آن کافیسست. آنها نمی توانستند با برهان عقلی صحت افکار و عقاید خود را توجیه کنند به همین دلیل به مرور زمان به فلسفه روی آوردند و برای اولین بار در قرون وسطی نظامی نسبتاً منسجم شکل دادند. اولین فردی که برای این کار تلاش کرد "فلوین" بود. او تلاش کرد که فلسفه ی نوافلاطونی را با کلام مسیحیت یکپارچه سازد و آن را با برهان منطقی توجیه کند. بعدها کلیسا با اتکا بر همین روش اساس نگرش فلسفی مسیحیت را شکل داد که در تاریخ فلسفه به نگرش "اسکولاستیسیسم" (فلسفه ی مدرسی) مشهور است.

عل این نامگذاری این است که این فلسفه تنها فلسفه ای بود که در تمام طول قرون وسطی در سرتاسر اروپا در کلیساها تدریس می شد و به همین دلیل آن را درسی می دانستند و در میان سایر مکاتب از تقدس ویژه ای برخوردار بود. امروزه پس از ظهور عصر "رمانتیک" و انتقادات فلاسفه به خصوص فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت این اندیشه دیگر رواج ندارد. در عصر رمانتیک مبانی تفکرات ایده آلیستی تغییر بسیار کرد و در ابتدای آن شاخه ی ایدئالیسم استعلایی (محدودیت گرا) پایه گذاری شد.

نتیجه‌گیری

قرون وسطی در تاریخ اروپای غربی یکی از مهم‌ترین مراحل تاریخی است که از ۴۰۰ میلادی تا ۱۴۰۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در بعضی از موارد از قرون تیره یا Dark age یاد می‌شود که از ویژگی‌های آن تاریخ اندیشی، اختناق و حاکمیت اولیاء و اصحاب دین در مناسب مختلف است. در این دوران دین به عنوان یک مکتب کلی بر تمام جامعه سیطره انداخته و هیچ حرکتی خارج از این مساله قابل تبیین نیست. دین نوعی اقتدار همه گیر دارد و حوزه سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ و افراد را تحت نظارت و کنترل دقیق خود دارد.

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان اینگونه برداشت نمود که در قرون وسطی با یک رکود نسبی در جریان‌های فکری مواجه هستیم. دلایل زیادی نیز در این زمینه دخیل بودند. تبدیل تعقل به تعبد در همه زمینه‌های فکری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نگرش‌های فلسفی ایده آلیسم و رئالیسم که توسط آگوستین و توماس آکوئینی دنبال می‌شد آنگونه باعث درخشش‌های فکر شود اعتقاد به ناپاک و شرور بودن انسان از جمله اعتقادات بدبینانه‌ای بود که در مورد انسان در این دوره رواج پیدا کرد و آثار آن را حتی اکنون در کشورهای کاتولیک مذهب مشاهده می‌کنیم. علاوه بر آن سودجویی مقامات علیه و بعضا کشیشان باعث شده بود که چهره واقعی دین مسیح (ع) پوشیده بماند و حتی مسیحیان واقعی در دوران بعدی به مخالفت با این دین قد علم کنند علاوه بر آن تفکر اسکولاستیکی که تعالیم مسیح را با کلیسا در آمیخته بود خود باعث انسداد فکری شده بود تقدم ایمان بر عقل، خود به نابودی ایمان و هم به نابودی عقل منجر شده بود. در قرون وسطی کلیسای کاتولیک در غرب مطرح بود. دین و سیاست در دست یک قدرت بود و کشیشان مبتلا به فساد مالی و اخلاقی بودند از این در جهت دنیا خیلی بهره برداری کردند نگاهشان به دین حداکثری بود همه چیز در کتاب مقدس خلاصه می‌شد و هر گونه عقل ورزی تعطیل شده بود و فقط هدفشان تلقین این اندیشه بود که باید کتاب مقدس را حفظ می‌کردند. انسان به کلی کنار گذاشته شد انسان بعنوان وجودی مکلف در نظر گرفته می‌شد و نه آزادی بیان در افراد وجود داشت و نه اینکه برای آنها حقی در نظر گرفته می‌شد. به اعتقاد کشیشان همه نقش‌ها را خدا ایفا کرده است و خدا محور همه چیز بود. جو علمی، سیاسی، مذهبی و دینی کاملاً بسته ماند توده‌ها گرفتار افکارشان بودند و نخبگان نیز در بند کشیشان بودند. تمام این فضاها توسط کاتولیک‌ها انجام شد. با توجه به این نتایج جریان‌های فکری قرون وسطی را می‌توان در سه عنوان دسته بندی کرد:

- ۱- تبدیل تعقل به تعبد: به دلیل اینکه در دین مسیح (ع) همه چیز بیان شده و فقط باید از طریق ایمان مورد قبول قرار گیرد و دیگر نیازی به اندیشیدن وجود ندارد.
- ۲- ضدیت مقامات عالیه و برخی از کشیشان با تعالیم روح بخش مسیح و تبدیل این تعالیم در قالب تفکر اسکولاستیکی
- ۳- مانع سازی در یادگیری علوم و فلسفه به دلیل اینکه مبادا در میان افراد جامعه روشنفکرانی بوجود آیند که منافع کلیسا و مقامات عالیه را به خطر اندازند.

منابع

۱. آرنولد، توماس، گیوم، آلفرد (۱۳۵۲)، میراث اسلام. ترجمه مصطفی اعلم. تهران: انتشارات کتاب فروشی مهر.
۲. ایلخانی، محمد، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، تهران: سمت، ۱۳۸۲، ص ۵۶۰.
۳. باوفا، ابراهیم، شیخ کبری (۱۳۹۱). اوضاع اجتماعی، مذهبی و علمی اروپا در قرون وسطی. پژوهش نامه در تاریخ. شماره ۲۰۶، ص ۲۳.
۴. توفیقی، حسین (۱۳۸۰). آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: انتشارات سمت.
۵. دانستن، جی لسی (۱۳۸۶). آئین پروتستان. ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره).
۶. راد کریشنان، سروپالی (۱۳۶۷). تاریخ فلسفه شرق و غرب. ترجمه جواد یوسفیان. چاپ کیهانک.
۷. راوندی، مرتضی (۱۳۸۳). سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. تهران: انتشارات نگاه.
۸. زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۴). مسیحیت مقایسه‌ای شناسی. تهران: انتشارات سروش.
۹. ژیلستون، اتین (۱۳۷۰). روح فلسفه قرون وسطی. ترجمه ع داوودی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی. تهران: انتشارات باز.
۱۱. صدیق، عیس (۱۳۴۰). تاریخ فرهنگ اروپا از آغاز تا زمان حاضر. چ دوم. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
۱۲. عظیمی راد، علی (۱۳۹۱). تاریخ و تمدن جهان. نشریه فرهنگ و هنر.
۱۳. کرنر، اول (۱۹۹۴). سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ. ترجمه آرمان رشدی. شورای کلیساهای جماعت ربانی، آموزشگاه کتاب مقدس.
۱۴. کونگ، هانس (۱۳۸۴). تاریخ کلیسای کاتولیک. ترجمه حسن فنبری. مرکز مطالعات و تحقیقات
۱۵. میرزاپور، مهدی (۱۳۹۰). بررسی نظریه‌ی اطلاق، پیامدها و کاربردهای آن در قرون وسطی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۶. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. چ پنجم. تهران: انتشارات طهوری.
۱۷. وات، ویلیام منگمری (۱۳۶۱). تأثیر اسلام در اروپا. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
۱۸. هونکی، زیگوید (۱۳۷۶). فرهنگ اسلام در اروپا. ترجمه مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

A review of medieval thoughts

Maryam Sosayesh Fard¹ Dr. Abbas Goltash²

Islamic Azad University, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Lamerd, Iran), Lamerd, Iran

t_setayeshfar@yahoo.com

Dr. Abbas Goltash, Associate Professor, Department of Educational Sciences, Maruddasht Unit, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

Abstract

The purpose of this study was to investigate the intellectual currents in the Middle Ages. The method of the study was a qualitative review-analytical type, which has been reviewed by searching in scientific articles and books and the Internet. The Middle Ages in the history of Western Europe is one of the most important historical stages, dating from 400 AD to 1400 AD. In some cases it is from the Dark Ages that its features are dark, The repression and sovereignty of the Fathers and the companions of religion is in different ways. In this period, religion as a general school dominated the whole society, and no move beyond this can be explained. Religion is the authority of all It is stuck in the field of politics, economics, society, culture and individuals under its own control and control. The religion of Christ, with its deviations, led to the emergence of scholastic views in this period. The combination of science With distorted teachings, the church has blocked keeping human thought in line with the intellectual lines of the church that existed in the community at that time.

Keywords: medieval, education, education